



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

قرآن کریم، کتاب انسان سازی است و آدمی با الهام از آن می تواند به اوج کمال مطلوب برسد؛ ولی از آنجایی که قرآن، شامل محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، مجمل و مبین، عام و خاص، تاویل و تنزیل است و شأن نزول هایی دارد که در تبیین پیام های قرآنی کار سازند، و بدان جهت که پیامبر(ص) براساس آیاتی مثل: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل، ۴۴)، مفسر قرآن است و ائمه معصومین(ع) نیز یکی از ثقلین هستند، مفاهیم قرآن با بیانات آنها واضح تر خواهد شد و چاره ای جز رجوع به احادیث تفسیری معصومین(ع) نیست. علی(ع) در میان معصومین(ع) از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ چرا که دست پرورده ویژه پیامبر(ص) بوده و تمام قرآن را با شأن نزول و عام و خاص، مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید و تاویل و تنزیلش مستقیماً از ایشان فرا گرفته است و سرآمد مفسران صحابه بوده است؛ لذا برای دریافت بهتر مفاهیم قرآنی، مراجعه به روایات تفسیری ایشان، هم به خودی خود، لازم است، و هم اینکه بدین طریق، می توان روش های تفسیری ایشان را بدست آورد و با تأسی به آن حضرت، بهترین روش های تفسیری را یاد گرفت و بکار بست.

بدین جهت که موضوع بحث ما، نقش علی(ع) در تفسیر؛ با تکیه بر احادیث تربیتی است و آن، با مراجعه به کتب روایی و تفسیری محقق می شود؛ لذا روش تحقیق ما توصیفی تحلیلی است که با مراجعه به کتاب ها و منابع نرم افزاری است، و مدارک و مستندات ما عمدتاً از آیات قرآنی و روایات تفسیری علی(ع) است که در کتب روایی و تفسیری و احیاناً تاریخی یافت می شود که در این راستا، تفسیر البرهان بحرانی، به جهت نوعی جامعیت، منشاء بحث ما می باشد.

۲-پیشینه بحث:

پژوهش‌های پراکنده‌ای درخصوص روش‌های تفسیری اهل بیت(ع) انجام گرفته است. همچنین پیرامون روش‌های تفسیری تک تک ائمه(ع)، کارهایی هرچند اندک انجام یافته که از آن جمله است، آنچه دکتر حکمت خفاجی به عنوان «مبانی و روش‌های تفسیری امام باقر (ع) (امام الباقر(ع) و أثره فی التفسیر)» برای اخذ پایان‌نامه دکتری در عراق، کار کرده است. در دانشگاه امام صادق(ع) نیز طرحی برای بررسی مبانی و روش‌های تفسیری امام صادق(ع) به انجام رسیده است. برخی دانشجویان نیز پایان‌نامه‌هایی درخصوص روش‌های تفسیری بعضی از معصومین(ع) انجام داده‌اند.

علاوه بر آنچه گفته شد، در کتب مختلف روایی، تفسیری، سخنانی از علی(ع) گزارش شده است، که می‌توان تفاسیر روایی مثل «الدرالمنثور» سیوطی، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر فرات کوفی، تفسیر عیاشی، تفسیر نورالتقلین و تفسیر برهان را از آن جمله دانست.

در میان کتب روایی نیز، کتب اربعه شیعه و جوامع متأخری مثل بحارالانوار، روایات تفسیری آن حضرت را در بردارند.

علاوه بر مطالب فوق، مسندهایی نیز برای ایشان نوشته شده که از آن جمله است آنچه عطاردی، ری شهری، سیدحسن قبانجی و باقر شریف قرشی برای فرمایشات ایشان، فراهم نموده‌اند.

کتابی نیز تحت عنوان «امام علی(ع) و قرآن» توسط آقای محمد مرادی در پاییز ۱۳۸۲ شمسی چاپ شده که در آن، علاوه بر قرآن و علوم قرآنی از دیدگاه علی(ع)، نگاهی اجمالی به روش‌های تفسیری ایشان شده و تفسیر قرآن به قرآن، قرآن با کلام پیامبر(ص)، معناشناسی واژه‌ها و تفسیر عقلی و اجتهادی شده است؛ اما نگارنده، به

نوشتاری پیرامون روایات تفسیر علی(ع) در موضوع مسائل اخلاقی و تربیتی، دست نیافتند که این مقاله می‌تواند این خلاء را پر نماید.

۳- اهمیت بحث:

قرآن، حاوی مطالب کلی در زمینه‌های اعتقادی، فقهی، اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و ... است که به غیر از موارد اندک، به جزئیات آن پرداخته است، و این امر با تفسیر پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) محقق می‌شود.

تفسیر قرآن توسط معصومین(ع) در تفاسیر مآثور و جوامع حدیثی به صورت پراکنده یافت می‌شود. فراگیری تفسیر علی(ع) ما را از افتادن در مسیرهای ناصحیح تفسیر؛ همانند تفسیر به رای می‌رہاند و به برگرفتن روش‌های تفسیری مثل تفسیر قرآن به قرآن، قرآن به سنت، قرآن به علوم عقلی و علمی؛ بدون دخالت آراء و نظریات شخصی ترغیب می‌کند.

ما بر این فرض هستیم که علی(ع) به عنوان صحابی برجسته پیامبر(ص) از روش‌های متعددی برای تبیین قرآن استفاده کرده و بنابر اهمیت روش‌های مطرح شده، از هر کدام از آنها بهره برده است؛ چرا که مخاطبان قرآن و عموم مردم و متخصصان در تفسیر و دانشجویان قرآنی و ... هر کدام به گونه‌ای دنبال پرسش‌های خود هستند که علی(ع) همانند پیامبر(ص) از همه روش‌ها استفاده کرده تا هیچ مخاطبی بدون بهره از این سفره الهی برنخیزد.

علاوه بر این که علی(ع) داناترین صحابه پیامبر(ص) در همه علوم اسلامی است، در علم تفسیر نیز به طور خاص، در رأس صحابه قرار گرفته است که پس از پرداختن به نمونه‌هایی از روایات دال بر اعلمیت مطلق آن حضرت، و جایگاه ایشان در تفسیر، به نمونه‌هایی از تفسیر آیات تربیتی پرداخته می‌شود.

۴- اعلیت مطلق بشری علی(ع)

روایاتی بر اعلیت مطلق علی(ع) به همه علوم اسلامی بعد از پیامبر(ص) اذعان دارند که از آن جمله است:

۱- سلمان فارسی از پیامبر(ص) نقل می‌کند که فرمود: «دانشمندترین امت من بعد از من، علی بن ابی طالب(ع) است» (خوارزمی، ۱۴۱۷ق: ۴۰؛ حلی، ۱۳۷۰ق: ۱۵۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ۱۱: ۶۱۵؛ ابن رویش، ۱۴۱۵ق، ۱: ۱۷۱).

۲- ابن مغازی با سندش از مجاهد از ابن عباس و جابر بن عبدالله نقل می‌کند که پیامبر(ص) بازوی علی(ع) را گرفت و فرمود: «من، شهر علم هستم و علی(ع) در آن است؛ پس هر کس جوای علم باشد، باید از در وارد شود» (خوارزمی، ۱۴۱۷ق: ۴۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۳: ۱۳۷؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ۱۱: ۶۰۰؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۷۲).

۳- احمد بن حنبل از پیامبر(ص) نقل می‌کند که فرمود: «هرکس بخواهد به آدم (ع) از حیث علمش، و به نوح(ع) از حیث فهمش، و به ابراهیم(ع) از حیث خلقتش، و به موسی(ع) از حیث مناجاتش، و به عیسی(ع) از حیث سنتش، و به محمد(ص) از حیث تمامیت و کمالش بنگرد، به این شخص بنگرد که می‌آید». مردم نگریستند و دیدند علی بن ابی طالب(ع) می‌آید» (ابن رویش، ۱۴۱۵ق، ۱: ۱۷۲، و با اندکی تفاوت در ص ۱۷۴ از قاضی ایجی در مواقف، ۳: ۲۷۶ و تفتازانی در شرح مقاصد، ۲، ۹۹ و در ص ۱۷۳ از ابن ابی الحدید، ۱۴۰۷ق، ۲: ۲۳۶ و مشابیهش در ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۴۲: ۳۱۳ و خوارزمی، ۱۴۱۷ق: ۴۱-۴۰ و امینی، ۱۳۶۶ق، ۳: ۳۶۰-۳۵۵).

از صحابه و تابعین و علمای تراز اول نیز مطالبی در اعلیت علی(ع) نقل شده که از آن جمله است:

۱- سخن عبادة بن صامت از عمر که گفت: «ما امر شدیم که در اموری که اختلاف می افتد، علی(ع) را حاکم قرار دهیم»؛ بدین جهت، علمای صحابه مثل سلمان، عمار، حذیفه، اُبی ذر، اُبی بن کعب، جابر بن عبدالله انصاری، ابن عباس، ابن مسعود و زید بن صوحان از ایشان تبعیت کردند و به دانش علی(ع) و فضیلتش اعتراف می کردند (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ۲: ۳۸).

۲- ابودرداء می گوید: «دانشمندان سه نفرند؛ مردی در شام (مُراد، خودش بود)، و مردی در کوفه (مقصودش ابن مسعود بود)، و مردی در مدینه (علی(ع))؛ اما مردی که در شام است، از کسی که در کوفه است سؤال می کند و کسی که در کوفه است از آن کس که در مدینه است، سؤال می کند؛ ولی کسی که در مدینه است، از هیچ کس سؤال نمی کند» (خوارزمی، ۱۴۱۷ق: ۵۵).

۳- ابن مسعود می گوید: «ما دائم می گفتیم که افضل اهل مدینه، علی بن ابی طالب(ع) است» (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳ق، ۲: ۶۰۴، ۶۴۶).

۴- ابن عباس می گوید: «هرگاه چیزی از [دانش] علی(ع) به ما برسد، از او به دیگری رو نمی آوریم» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۴۲: ۴۰۷؛ ابن اثیر جزری، اسدالغابه، ۴: ۹۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ق، ۳: ۲۰۷).

۵- ابن عباس در پاسخ به مردی، گفت: «دانش پیامبر(ص) از خدا، و دانش علی(ع) از پیامبر(ص) و دانش من از دانش علی(ع) است، و دانش همه یاران پیامبر در کنار دانش علی چون قطره ای در برابر هفت دریاست» (مفید، ۱۴۱۴ق: ۲۳۵؛ طوسی، ۱۳۸۴ق: ۱۱ و قسمت آخر روایت در قندوزی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۷۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ۲: ۳۸).

۶- از عطاء سؤال شد: آیا در میان صحابه محمد(ص) عالم تر از علی(ع) وجود داشت؟، ایشان پاسخ داد: «قسم به خدا به عالم تر از علی(ع) علم ندارم» (ابن رویش، ۱۴۱۵ق، ۱: ۱۶۹).

۷- هیچیک از صحابه، «سلونی» نگفت جز علی بن ابی طالب (ع) (ر.ک: احمد بن

حنبل، ۱۴۰۳ق، ۲: ۶۴۶؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۲۲۴؛ خوارزمی، ۱۴۱۷ق: ۴۶).

این مطلب را خود علی (ع) نیز اذعان داشته، فرمودند: «از من پرسید قبل از اینکه مرا از دست دهید، قسم به خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد، من از اهل تورات به تورات آگاه ترم و از اهل انجیل به انجیل دانانترم و من از اهل قرآن به قرآن دانانتر هستم... و از من درباره قرآن پرسید؛ چرا که در قرآن، بیان هر چیزی است؛ در آن، علم اولین و آخرین است، و قرآن برای کسی مقالی قرار نداده است.» «و ما يعلم تاویلہ الا الله و الراسخون فی العلم» (آل عمران، ۷) و کسی نیست [که تاویل آن را بداند] و پیامبر (ص) یکی از آنها بود که خدا او را یاد داد و پیامبر (ص) نیز مرا آموخت...».

علی (ع) در سخنی دیگر فرمود: «... از من پرسید؛ چرا که بعد از من، کسی را نمی یابید که عالم تر از من باشد در مورد آنچه از من می پرسید. و کسی دانانتر از من نمی یابید بدانچه بین دو جلد (قرآن) است. پس از من پرسید» (محمودی، بی تا، ۲: ۶۸۱ از تاریخ دمشق، ۳۸، ۵۹، و در ط ۱، ج ۳: ۲۲).

۵- جایگاه علی (ع) در تفسیر و علوم قرآنی

علاوه بر آنچه در خصوص اعلیت مطلق علی (ع) عنوان شد، ایشان به طور خاص در علوم قرآن و تفسیر نیز در اوج قرار دارد که موارد زیر، گویای آن است:

۵-۱- املای پیامبر (ص) و نوشتن علی (ع)

از علی (ع) نقل شده که فرمودند: «هر آیه ای که خدا بر محمد (ص) فرو فرستاده، با املای پیامبر خدا و دست خط خودم نزد من است و [هم چنین] تاویل هر آیه ای که خدا بر محمد (ص) فرستاده، و هر حرام و حلالی و یا هر حد و حکمی، یا هر چیزی

از اعلیّت مطلق بشری تا مربیگری علی(ع) در تبیین ... / صمد عبداللهی عابد ۲۳۷

که اُمت تا روز قیامت بدان نیازمند خواهد شد، به املائی پیامبر(ص) و دست خط من موجود است؛ حتی دیه‌ی یک خراش» (ری‌شهری، ۱۴۲۱ق، ۱۰: ۲۱ از احتجاج طبرسی، ۱: ۳۵۶، ۵۶ و سلیم بن قیس، ۲: ۶۵۷، ۱۱).

۵-۲- علی(ع) صاحب کتابی در علوم قرآن

از تالیفات علی(ع) کتابی است که در آن، شصت نوع از علوم قرآنی را یاد کرده و برای هر نوع مثالی زده است. این کتاب را که اصل تمام کتاب‌های علوم قرآنی است، مجلسی در بحار از تفسیر نعمانی نقل کرده که او نیز از امام صادق(ع) نقل کرده که به علی(ع) نسبت داده است (ر.ک: امین، ۱۴۱۸ق، ۱: ۱۲۷). ابن شهر آشوب نیز اولین کتاب را به علی و سپس به سلمان، ابوذر، اصبع بن نباته و عبدالله بن رافع نسبت داده است (ر.ک: همان، ۱: ۱۲۵).

۵-۳- علی(ع) اعلم صحابه نسبت به قرآن

از برخی صحابه و تابعین نقل شده که علی(ع) اعلم صحابه به قرآن بود. شعبی که یکی از تابعین مشهور است، می‌گوید: «پس از پیامبر(ص) هیچ کس از علی(ع) به کتاب خدا داناتر نیست» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ۳۲۲؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۲۷: ۴۳).

عطاء نیز که از تابعین است، از عایشه نقل کرده که گفت: «علی(ع) عارف‌ترین و عالم‌ترین اصحاب پیامبر(ص) به قرآن است» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲۷).

ابوسعید خدری می‌گوید که وقتی یکی از بزرگان یهود برای پرسش پیش عمر آمد، او گفت: «من، اعلم نیستم؛ ولی تو را به کسی راهنمایی می‌کنم که داناترین امت ما به کتاب، سنت و چیزهایی است که تو درباره آنها می‌پرسی». آنگاه با اشاره دستش، علی(ع) را نشان داد (کلینی، ۱۳۶۲ش، ۱: ۵۳۱؛ طبرسی، اعلام الوری،

۲۳۸ دوفصلنامه تفسیر پژوهی اثری - سال یازدهم، جلد اول، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱۴۱۷ق، ۲: ۱۶۷؛ ری شهری، ۱۴۲۱ق، ۱: ۳۹ از الغیبه طوسی، ۱۵۲: ۱۱۳ و کشف الغمه، ۳: ۲۵۶ و ...).

خود علی(ع) نیز اعلامیتش به کتاب و سنت را ضمن سخنانی چنین بیان می‌دارد: «من داناترین شما به کتاب و سنت هستم» (ری شهری، ۱۴۲۱ق، ۸: ۲۰۷ از احتجاج، ۱: ۱۸۲، ۳۶).

۵-۴- علی(ع) دارای علم کتاب

وقتی از پیامبر(ص) درخصوص آیه‌ی: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد، ۴۳) سؤال شد، حضرت فرمود: «آن، بردارم علی بن ابی‌طالب (ع) است» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۱۵۵: ۴۲۳-۴۲۲).

مسعودی نیز یکی از فضایل علی(ع) را علم به کتاب و تنزیل برشمرده است (رک: ری شهری، ۱۴۲۱ق، ۸: ۴۴۹، ۴۴۸ از مروج الذهب، ۲: ۴۳۷).

خود علی(ع) نیز می‌فرماید: «فهم کتاب به من داده شده است» (مفید، ۱۴۱۴ق، امالی، ۶: ۳؛ طوسی، ۱۳۸۴ق، امالی، ۲۳۹؛ طبری، ۱۴۲۰ق، ۲۲، استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۶۴۹، ۱۱).

۵-۵- علم علی(ع) به شان نزول

از علی(ع) نقل شده که فرمود: «هیچ آیه‌ای نازل نشد مگر اینکه دانستم در مورد چه چیزی و کجا و بر چه کسی نازل شده است. به راستی پروردگارم به من زبانی پر سؤال و دلی پرفهم عطاء فرموده است» (خوارزمی، ۱۴۱۷ق، ۴۶؛ ابوحیان، ۱۴۱۳ق، ۱: ۱۷؛ معرفت، ۱۳۷۱ش، آموزش علوم قرآن، ۲: ۱۹۹ از التفسیر و المفسرون، ۱: ۹۰، به نقل از حلیه الاولیاء ابونعیم اصفهانی؛ عیاشی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۹۵، ۱۲/۶۲؛ بحرانی، ۱۴۲۷ق، ۱: ۴۳-۴۲، ۲۴).

از اعلیّت مطلق بشری تا مربیگری علی(ع) در تبیین ... / صمد عبداللّهی عابد ۲۳۹

در موردی دیگر فرمود: «قسم به خدا، آیه‌ای از قرآن، نازل نشده، مگر اینکه دانستم کجا و در مورد چه کسی و چه موضوعی نازل شد، و در دشت و صحرا نازل شده و یا در کوهستان» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۳۹۰، ۴۱۳، سوره رعد و مشابهش در همان، ۱: ۴۱-۴۲، ح ۳۲-۳۱، باب رابع).

سؤال کردند: پس چه آیه‌ای در مورد تو نازل شده است؟، فرمود: «اگر نمی‌پرسیدید، شما را باخبر نمی‌ساختم، در مورد من آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ لِّكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد، ۷) نازل شده است. پس پیامبر خدا(ص)، «منذر» است و من، «هادی» به آن چیزی هستم که به او آمده است» (صدوق، ۱۴۱۷ق، ۳۵۰، ۱۵/۴۲۳ حدیث آخر از مجلس ۴۶).

۵-۶- از من در خصوص قرآن پرسید

سعید بن مسیب می‌گوید: در میان اصحاب رسول خدا هیچ کس جز علی بن ابی‌طالب (ع) نیست که بگوید: «از من پرسید» (مجلسی، ۱۳۶۶ق، ۴۰: ۱۵۴).

محمد بن فضیل نیز از ابن شبرمه نقل می‌کند که: هیچ کس را سُرّاع ندارم که بر منبر بنشیند و بگوید: «سلونی عما بین اللّوحین» إلّا علی بن ابی‌طالب(ع) (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۲۷).

۵-۷- علم ابن عباس (مفسر مشهور) از علی(ع)

ابن عباس می‌گوید: «آنچه از تفسیر قرآن فرا گرفته‌ام، از علی بن ابی‌طالب(ع) است.» (ابوحیان، ۱۴۱۳ق، ۱: ۱۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ۱: ۳۲۱؛ مجلسی، ۱۳۶۶ق، ۸۹: ۱۰۵) وی در عبارتی دیگر می‌گوید: «دانش من به قرآن، در کنار دانش علی(ع) همچون آبگیری کوچک در کنار دریای بی‌کران است» (ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ۱: ۲۱۲؛

مجلسی، ۱۳۶۶ق، ۸۹: ۱۰۶؛ ابن منظور، بی تا، ۲: ۹۹). این اعتراف بیانگر اوج علم علی(ع) در تفسیر می باشد.

۵-۸- جایگاه علی(ع) در تفسیر و علم ظاهر و باطن قرآن

سیوطی می گوید: «ده تن از صحابه در تفسیر، شهرت یافته اند... و در میان خلفا بیشتر از همه از علی بن ابی طالب(ع) روایت شده است» (ابوحیان، ۱۴۱۳ق، ۱: ۱۷). زرقانی نیز درباره ی اختصاص علی(ع) به تفسیر، سوای دیگر خلفا و صحابه، می گوید: «ارتباط محکم و استوار علی(ع) به پیامبر(ص)، اثر بزرگی در نورانی شدن نفس او و وسعت دانش او داشته است و خدا فطرتی پاک و هوش نادر و عقلی فراوان به او ارزانی داشته است تا آنجا که در حلّ مشاکل، مورد ضرب المثل واقع شده و درباره او گفته شده است: «قضية ولا ابالحسن لها» (زرقانی، ۱۴۱۹ق، ۲: ۱۷؛ ذهبی، ۱۳۹۶ق، ۱: ۸۹).

بنابر نقل ابن مسعود، قرآن بر هفت حرف نازل شده، و هیچ حرفی نیست مگر اینکه ظاهر و باطن دارد و علی بن ابی طالب(ع) علم ظاهر و باطن را دارد (ر.ک: عاملی نباطی فتونی، مقدمه تفسیر برهان، ۱۴۲۷ق، ۱: ۱۰؛ ابن رویش، ۱۴۱۵ق، ۱: ۱۶۹ از مفتاح السعادة، ۱: ۴۰۰؛ امینی، ۱۳۶۶ق، ۳: ۹۹ و ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ۱: ۳۲۱). مطلب مذکور از سلمان فارسی و ابن عباس نیز نقل شده است. (ر.ک: جوینی، ۱۳۹۸ق، ۱: ۳۵۵ از تاریخ دمشق؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ۲: ۵۳؛ امین، ۱۴۱۸ق، ۱: ۱۲۵-۱۲۴).

خود علی(ع) نیز علم به تاویل قرآن، علاوه بر علم به تفسیر و معنی ظاهری آن را در موارد متعددی از سخنانش اذعان کرده می فرماید: «از من درباره کتاب خدا

بپرسید. قسم به خدا، آیه‌ای نازل نشده... جز اینکه پیامبر(ص) قرائت و تاویل آن را به من آموخت...» (محمودی، بی‌تا، ۹: ۶۶۹، ۷۲۵ از امالی طوسی، ۲: ۲۳۷، ح ۲ از مجلس ۱۲ و محمودی، بی‌تا، ۲: ۶۷۶ از سلیم بن قیس، ۱۸۹، چ نجف).

۵-۹- معیت علی (ع) با قرآن

در مورد هیچ شخصی به غیر از علی(ع) گفته نشده است که: «فلان مع القرآن» (جوینی، ۱۳۹۸ق، ۱: ۱۷۷) در این راستا، اُم سلمه از پیامبر(ص) نقل می‌کند که: «علی با قرآن و قرآن با علی (ع) است. این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض بر من وارد شوند» (متقی‌هندی، ۱۴۰۹ق، ۱۱: ۶۰۳؛ بیومی، ۱۴۱۶ق: ۱۴۴-۱۴۳). حاکم در مستدرک پس از نقل این حدیث، آن را صحیح دانسته است (ر.ک: حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ۳: ۱۲۴).

۵-۱۰- علم علی (ع) به قرائت

از جمله علوم قرآنی که علی (ع) در آن، سرآمد است و علاوه بر اشاره پیامبر(ص)، صحابه، تابعین و مورخین، خود نیز به آن اذعان دارد، علم قرائت است. علی(ع) در کلامی فرمود: «از من درباره کتاب خدا بپرسید، قسم به خدا، آیه‌ای از قرآن، نازل نشد، در شب و یا روز و مسیر و مقام؛ جز اینکه پیامبر(ص) قرائت آن را به من یاد داد و تاویلش را به من آموخت». ابن کواء پرسید: «ای امیرمومنان! آنچه را که نازل می‌شد و تو غائب بودی چه؟»، حضرت فرمود: «پیامبر(ص) آنچه را که از قرآن در غیاب من نازل می‌شد، حفظ می‌کرد تا اینکه پیش ایشان بازگردم و سپس آن را بر من قرائت می‌کرد و می‌فرمود: «ای علی! خدا بعد از تو، فلان آیه را به من نازل کرد و تاویلش چنان است. پس تاویل و تنزیل آن را به من تعلیم می‌داد» (محمودی، بی‌تا،

۹: ۶۶۹، ۷۲۵ از امالی طوسی، ۲: ۲۳۷، ح ۲ از مجلس ۱۲؛ محمودی، بی تا، ۲: ۶۷۶، از سلیم بن قیس، ۱۸۹، چاپ نجف).

ابوعبدالرحمن سلمی نیز می گوید: «کسی را قاری تر از علی (ع) نیافتم؛ او می فرمود: «از من بپرسید، قسم به خدا از من نمی پرسید از کتاب خدا جز اینکه شما را باخبر می سازم که آیا در شب نازل شده است و یا در روز، یا در صحرا و یا در کوه نازل شده است» (حاکم حسانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۴۲، ۳۲، فصل رابع).

از سلیم بن قیس نیز نقل شده که از امیر مومنان (ع) شنیدم که فرمود: «آیه ای بر پیامبر (ص) نازل نشد؛ جز اینکه قرائت آن را بر من یا داد و بر من املا کرد و با ختم آن را نوشتم و ...» (عیاشی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۹۱، ۲/۵۲، باب علم الائمه بالتأویل؛ حاکم حسانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۴۸-۴۷، ۴۱، فصل رابع).

نقش علی در قرائت نیاز به بحث مفصلی دارد که غالب قراء سبعة و دیگر دانشمندان مطرح در قرائت از آن حضرت تاثیر گرفته اند (ر. ک: عبداللّهی عابد، ۱۳۸۵ش: ۹۷-۱۴۲).

۵-۱۱- علم علی (ع) به ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه

علم به ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه از علوم مورد نیاز مفسر است و بدون آن دو علم، فهم معانی قرآن، امکان پذیر نیست و علی (ع) در این دو علم نیز، تخصص داشت؛ همچنانکه در ادامه حدیث سلیم بن قیس که در بحث قرائت عنوان شد، آمده است که علی (ع) فرمود: «آیه ای بر پیامبر (ص) نازل نشد، جز اینکه پیامبر (ص) ... ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن را یاد داد و دعا کرد که خدا فهم و حفظ آیات را به من تعلیم دهد. پس آیه ای از قرآن را فراموش نکردم و نه علمی را که به من یاد داد،

از اعلَمیت مطلق بشری تا مربیگری علی(ع) در تبیین ... / صمد عبداللهی عابد ۲۴۳

فراموش نکردم...» (بحرانی، ۱۴۲۷ق، ۱: ۴۱-۴۰، ح ۱۴؛ عیاشی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۹۱، ح ۲/۵۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۴۸-۴۷، ح ۴۱).

روایتی دیگر را عیاشی از اصبع بن نُبّاته نقل می‌کند که وقتی علی(ع) وارد کوفه شد، چهل صبح در نمازش، «سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (اعلی، ۱) را خواند. منافقین گفتند: «به خدا سوگند که فرزند ابی طالب، نمی‌تواند قرآن را نیکو قرائت کند؛ چرا که اگر می‌توانست خوب قرائت کند، غیر این سوره را بر ایمان می‌خواند. مطلب به گوش علی(ع) رسید و فرمود: «وای بر آنها، من ناسخ قرآن را از منسوخش، محکمش را از متشابهش و فصلش را از فصالش و حروفش را از معانی‌ش می‌شناسم...» (عیاشی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۹۰-۹۱، ح ۱/۵۱؛ بحرانی، ۱۴۲۷ق، ۱: ۴۰، ح ۱۳).

به عنوان نمونه، از علی(ع) نقل شده است که وقتی آیه‌ی «وَأِنْ تُبَدُّوا مَا فِیْ أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يَحْسَبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرْ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ؛ و اگر آنچه در دل‌هایتان هست، آشکار سازید یا پنهانش کنید، خدا شما را بر طبق آن، محاسبه می‌کند و هر کس را [شایسته بداند و] بخواهد، می‌بخشد؛ و هر کس را [مستحق بداند و] بخواهد، مجازات می‌کند» (بقره، ۲۸۴)، نازل شد، ما را محزون ساخت و گفتیم: «فردی از ما با خود سخن می‌گوید و محاسبه نفس می‌کند و نمی‌داند که چه چیزی بخشیده می‌شود و چه چیزی بخشیده نمی‌شود؛ پس بعد از آن، آیه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ؛ خدای هیچ کس را، جز به اندازه‌ی توانائیش، تکلیف نمی‌کند. آنچه [از خوبی] بدست آورد، فقط به سود اوست و آنچه [از بدی] بدست آورد، فقط به زیان اوست» (بقره، ۲۸۶)، نازل شد و آیه قبلی را نسخ کرد» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۳۷۴، ۴۲۸۷).

در حدیث دیگری از آن حضرت نقل شده که آیه‌ی: «وَأِنْ تُبَدُّوا مَا فِیْ أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يَحْسَبِكُمْ بِهِ اللَّهُ» بر انبیا و امت‌های پیشین عرضه شد و به جهت سنگینی‌اش، از

پذیرش آن اِبا کردند؛ ولی پیامبر خدا(ص) پذیرفت و آن را بر امتش عرضه کرد و آنها نیز قبول کردند، و وقتی که خدای عزوجل پذیرش آنها را مشاهده کرد و اینکه توان آن را ندارند، به پیامبر خود فرمود: «تو این آیه را با سختی‌اش پذیرفتی؛ ولی امت‌های پیشین نپذیرفتند و امت تو پذیرفت؛ پس سزاوار است که آن را از امت تو بردارم و فرمود: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» و آشکار شد که هر چیزی که تحت عنوان وُسع داخل نشود، مورد مواخذة قرار نمی‌گیرد... (قبانجی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۳۳-۳۲ از الحقائق للفيض الكاشانی، ۵۷).

۵-۱۲- تنويع آیات

از اموری که در خصوص علوم قرآنی از علی(ع) نقل شده، تنويع آیات است که از آن جمله است آنچه فرموده است: «قرآن، در سه قسمت نازل شده است: یک سوم آن در مورد ما و دشمنانمان است، و یک سوم آن، سُنَن و اُمثال است، و یک سوم دیگر، فرائض و احکام می‌باشد» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۱: ۵۸، ح ۵۹؛ عیاشی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۸۴، ح ۳/۲۷؛ کلینی، ۱۳۶۲ش، ۲: ۶۲۷، ح ۲ از باب نوادر از کتاب فضل قرآن؛ محمودی، بی‌تا، ۹: ۲۴۳، ح ۳۳۶ از حسکانی، عیاشی، کلینی و مجلسی، مِرآة العقول، ۱۱: ۵۱۷).

مطالب مذکور که در ۱۲ مورد مطرح شد، بیانگر جایگاه علی(ع) در تفسیر و علوم قرآنی است که به‌طور مفصل در جای خود قابل بحث می‌باشد و مقالاتی پیرامون آنها نوشته و چاپ شده است.

۶- تفسیر تربیتی علی(ع)

یکی از اقسام بزرگ آیات قرآن و تعالیم پیامبر(ص)، مربوط به مباحث اخلاقی و تربیتی است و به همین جهت است که ایشان فرموده‌اند: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛

برای تکمیل مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام» (مجلسی، ۱۳۶۶ ش، ۱۶: ۲۱۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ۳: ۱۶) و اوصیای آن حضرت نیز یکی از اهدافشان، رساندن جامعه انسانی به درجات متعالی اخلاقی بود. علی(ع) در این میان، گاهی با تفسیر آیات تربیتی، این مهم را انجام داده است که به نمونه‌هایی از آنها می‌پردازیم:

۶-۱- بازگشت نتیجه اعمال به خود انسان

حضرت امیر(ع) فرمود: «از گناه پرهیزید؛ چرا که هیچ بلیّه و کمبود روزی نیست؛ جز اینکه به خاطر انجام دادن گناهی است؛ حتی اگر به اندازه خراش و به زمین خوردن و مصیبت باشد، خدای عزّوجلّ می‌فرماید: «و ما اصابکم من مُصِیْبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ اَیْدِیْكُمْ وَ یَعْفُو عَنْ کَثِیْرٍ؛ و هر مصیبتی به شما رسد، بخاطر دستاورد شماست! و بسیاری [از خطاهای شما] را می‌بخشد» (شوری، ۳۰) (محمودی، بی‌تا، ۹: ۴۳۱ از خصال صدوق، ۲: ۶۳۷-۶۱۰ ط غفاری، و مشابّهش در تحف العقول).

کلینی در حدیثی دیگر با سندش از علی(ع) نقل می‌کند که در تفسیر همان آیه فرمود: «هیچ پیچ خوردن رگی نیست، و نه برخورد به سنگی، و نه لغزش گامی، و نه خراش چوبی، جز بخاطر گناهی، و هر آینه آنچه را که خدا در گذرد، بیشتر است، پس هر که را خدا در دنیا به کیفر گناهش شتاب کند، والا تر و کریم تر و بزرگوارتر از آن است که دوباره در آخرت، او را کیفر کند» (کلینی، ۶۷-۱۳۶۲ ش، ۲: ۴۴۵، ۶).

علی(ع) در حدیث مشابّهی فرمودند: «خدا، بنده مومنی را در این دنیا، عقاب نمی‌کند؛ جز اینکه حلیم تر و بزرگوارتر و بخشنده تر از آن است که در روز قیامت نیز عقابش کند، و خدا بنده مومنی را در این دنیا نبخشیده و عفو نکرده؛ جز اینکه بزرگوارتر و بخشنده تر و گرامی تر از آن است که در روز قیامت، عقابش کند».

سپس فرمود: «و گاهی خدا، مومن را با بلیه‌ای در بدن یا مال و یا فرزندان و خانواده‌اش امتحان می‌کند»، و سپس آیه مورد بحث را تلاوت فرمود (رک: قمی، ۱۴۱۲ق، ۲: ۲۴۹؛ احمدبن حنبل، ۱۴۰۳ق، ۱: ۸۵ و ۹۹).

۶-۲- امیدبخش‌ترین آیه

امید، اثر بخش‌ترین عنصری است که به آدمی، انگیزه و تحرک می‌بخشد و بدین جهت، محل اهتمام انسان‌ها می‌باشد. علی(ع) در این راستا از اصحابشان پرسیدند: «کدام آیه قرآن برای شما امیدبخش‌تر است تا برای فردایتان نجات‌بخش باشد؟».

یکی گفت: «آیه‌ی: *إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمٍ*؛ اگر از گناهان بزرگی که از آن [ها] منع می‌شوید، دوری کنید، بدی‌هایتان را از شما می‌زداییم، و شما را در جایگاه ارجمندی وارد می‌سازیم» (نساء، ۳۱).

حضرت امیر(ع) فرمود: «نظر خوبی داری، آیا نزد شما غیر از این نظر نیز هست؟»، مرد دیگری گفت: «*إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ* و *مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا*؛ در واقع، خدا شرک ورزیدن به او را نمی‌آمرزد، و [گناهان] پایین‌تر از آن را برای هر کس بخواهد [و شایسته بداند] می‌آمرزد، و هر کس به خدا شرک ورزد، به یقین، به گمراهی دوری گمراه شده است» (نساء، ۱۱۶).

حضرت فرمود: «نظر خوبی دادی، آیا نزد شما غیر از این نظر نیز هست؟»، مرد دیگری گفت: «آری، آن، آیه‌ی: *يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا*؛ ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده‌روی کرده‌اید، از رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که خدا تمام آثار [گناهان] را می‌آمرزد...» (زمر، ۵۳).

از اعلیّت مطلق بشری تا مربیگری علی(ع) در تبیین ... / صمد عبداللهی عابد ۲۴۷

علی(ع) فرمود: «نظر خوبی داری. آیا نزد شما نظری غیر از این است؟»، وقتی دیدند نظرشان مطابق نظر علی(ع) نیست، گفتند: «خدا و رسولش و امیرمؤمنان بهتر می دانند». سپس علی(ع) فرمود: «نزد من، آیه ای امیدبخش تر برای نجات فرد از این آیه نیست: «مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ؛ هر مصیبتی به شما رسد، پس بخاطر دستاورد شماست! و بسیاری [از خطاهای شما] را می بخشد» (شوری، ۳۰) هر گناهی را که در دنیا جزا دهد، به همان، جزا داده است، و هر کدام را ببخشد، او حلیم تر و گرامی تر از آن است که در دنیا چیزی را بیامرزد و سپس در آخرت به آن برگشته، عذاب نماید» (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳ق، مسند امیرالمؤمنین(ع)، ۱، ۸۵ و مشابیهش در حرانی، ۱۳۹۴ق، ۱۵۲).

۶-۳- دوستی برای خدا

غالباً دوستی در میان آدمیان، براساس منافع اشخاص می باشد و بر محور مصلحت های دنیوی می چرخد؛ ولی در نگاه دینی، محور محبت، انگیزه های ایمانی و خدایی است. علی(ع) در تفسیر آیهی: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ؛ دوستان در آن روز، برخی از آنان، دشمن برخی [دیگر] اند؛ جز پارسایان» (زخرف، ۶۷)، فرمودند: «مردم [همانند] برادرانند؛ پس هر کس برادریش در غیر ذات الهی باشد، دشمنی است و آن، سخن خداست که فرمود: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ...» (کراچکی، بی تا، ۱: ۹۳، فصل ۱۷).

۶-۴- ویژگی دوستان خدایی و دوستان شیطانی

تمییز دوستی های دنیوی با دوستی های اُخروی با بررسی ویژگی هایی برای آن دو، قابل دست یابی است که در تعالیم دینی بدان پرداخته شده است که از آن جمله است

آنچه علی(ع) در مورد دو دوست مؤمن، و دو دوست کافر؛ و مومن ثروتمند و مومن فقیر، و کافر ثروتمند و کافر فقیر فرمود: «اما دوستان مومن، در زندگی دنیا، در طاعت خدای تبارک و تعالی دوستی کرده‌اند، و در راه خدا، بذل و بخشش و مودّت می‌کنند؛ پس یکی از دو دوست، قبل از دوستش می‌میرد، و خدا جایگاهش را در بهشت نشان می‌دهد و به دوستش شفاعت می‌کند و می‌گوید: «پروردگارا! فلانی دوست من بود و مرا به طاعت تو فرا می‌خواند، و در آن جهت، کمک می‌کرد و مرا از معصیت باز می‌داشت؛ پس او را در هدایت، تثبیت فرما؛ همانگونه که مرا تثبیت کردی تا اینکه آنچه را به من نشان دادی، به او نیز نشان بدهی؛ پس خدا دعایش را اجابت می‌کند تا اینکه نزد خدای عزّوجلّ، همدیگر را ملاقات می‌کنند؛ پس هر کدام از دو دوست به آن دیگری می‌گوید: «خدا تو را به جهت دوست خیرخواه بودند، جزای خیر دهد، تو مرا به طاعت خدا فرا می‌خواندی، و از معصیتش نهی می‌کردی»؛ اما دو دوست کافر که در معصیت خدا دوستی کرده بودند و در آن جهت، بذل و بخشش و مودّت می‌کردند، وقتی یکی از آنها قبل از دیگری بمیرد، خدا، جایگاهش را در آتش نشان می‌دهد. پس می‌گوید: «پروردگارا! فلان دوست من، مرا به نافرمانی تو فرا می‌خواند، و از طاعت نهی می‌کرد؛ پس او را در معصیت ثابت بدار؛ همانگونه که او مرا در معصیت تثبیت کرد تا اینکه به او نشان‌دهی آنچه از عذاب، به من نشان دادی؛ پس وقتی روز قیامت، همدیگر را نزد خدا ملاقات می‌کنند، هر کدام به دیگری می‌گوید: «خدا تو را به جهت دوست بد بودن، جزای شرّ دهد، تو مرا به معصیت خدا فرا می‌خواندی و از طاعتش نهی می‌کردی».

سپس آیه‌ی: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف، ۶۷) را قرائت کرده، فرمود: «و مومن ثروتمند در روز قیامت، به حساب خوانده می‌شود و

خدای تبارک و تعالی می گوید: «بنده ام»، می گوید: «لبیک پروردگارا!»، خدا می فرماید: «آیا تو را شنوا و بینا قرار ندادم، و برای تو مال فراوان قرار ندادم؟»، می گوید: «چرا، قرار دادی!»، خدا می فرماید: «پس چه چیزی برای ملاقات من مَهِیّا کردی؟»، می گوید: «به تو ایمان آوردم، و پیامبرانت را تصدیق کردم، و در راه تو جهاد کردم»، خدا می فرماید: «با آنچه به تو بخشیدم، چه کردی؟»، گفت: «در راه طاعت تو، انفاق کردم»، فرمود: «برای بعد از خود چه به ارث گذاشتی؟»، گفت: «تو مرا و دیگران را خلق کردی، و مرا و دیگران را روزی دادی، و تو توانا بودی که به دیگران نیز روزی دهی؛ همانگونه که به من روزی دادی؛ پس بعد از خودم را به تو واگذاشتم»؛ پس خدای عزّوجلّ می فرماید: «راست گفتی. برو، که اگر بدانی چه [نعمت و پاداش] پیش من برای توست، زیاد می خندیدی»؛ سپس مؤمن فقیر فراخوانده می شود، پس خدا می فرماید: «ای فرزند آدم!»، می گوید: «لبیک پروردگارا!»، پس می فرماید: «چه کردی؟»، می گوید: «پروردگارا مرا به دینت هدایت کردی و نعمت دادی و مرا از نعمت هایی بازداشتی که اگر بسط می دادی، می ترسیدم که مرا از آنچه برای آن، خلقم کردی، بازدارد»؛ پس خدای عزّوجلّ می فرماید: «راست گفتی بنده ام. اگر بدانی که چه [پاداش] برای تو نزد من است، زیاد می خندیدی»؛ سپس کافر ثروتمند فراخوانده می شود و خدا به او می گوید: «چه چیز برای ملاقات با من، فراهم کردی؟»، پس تعلّل ورزیده می گوید: «چیزی آماده نکرده ام»؛ پس می پرسد: «در آنچه که به تو عطا کردم، چه کردی؟»، می گوید: «آن را برای بعد از خود به ارث گذاشتم»؛ پس می پرسد: «چه کسی تو را خلق کرده است؟»، می گوید: «تو»، پس می پرسد: «چه کسی تو را روزی داده است؟»، می گوید: «تو»، پس می پرسد: «چه کسی ورثه تو را آفریده است؟»، می گوید: «تو»، می پرسد: «آیا من قادر نبودم که فرزندان تو را همانند تو

روزی رسانم؟»، پس اگر بگوید: «فراموش کردم»، هلاک می‌گردد، و اگر بگوید: «ندانستم تو کیستی»، باز هلاک می‌شود، پس خدای عزوجل می‌گوید: «اگر می‌دانستی که چه چیزی برای تو نزد من است، زیاد گریه می‌کردی»؛ سپس کافر فقیر فراخوانده می‌شود و خدا به او می‌گوید: «ای فرزند آدم! در آنچه که تو را امر کردم، چه کردی؟»، می‌گوید: «مرا به بلای دنیا مبتلا کردی تا اینکه یاد تو را از دل من بُردی، و مرا از آنچه که برای آن آفریده‌ای مشغول کردی»؛ پس می‌پرسد: «پس آیا از من خواستی تا روزیت کنم، و سؤال کردی تا عطایت کنم؟»، پس اگر بگوید: «پروردگارا! فراموش کردم»، هلاک می‌شود، و اگر بگوید: «ندانستم تو کیستی»، هلاک می‌شود. پس خدا می‌فرماید: «اگر بدانی که چه چیزی برای تو نزد من است، زیاد می‌گریستی» (قمی ۱۴۱۲ق، ۲: ۲۶۰؛ بحرانی، ۱۴۲۷ق، ۷: ۱۴۷-۱۴۶، ۳ و مشابهنش با اندکی تلخیص در سیوطی، ۱۴۱۱ق، ۵: ۷۳۱).

۵-۶- نهایت تلاش در تأویل به احسن کردن اعمال بد دیگران

از آفات زندگی اجتماعی، داشتن سوءظن به همدیگر است که جمعی را به فتنه و آشوب می‌کشاند؛ و اما اگر این رویکرد با «حُسن ظَنِّ» جایگزین شود، آرامش و مهر و محبت، جامعه را فرا می‌گیرد و در پی آن، مشکلات فراوانی، از میان می‌رود. قرآن و روایات معصومین (ع) در راستای برقراری حاکمیت اصول اخلاقی در جامعه اسلامی، راهکارهایی ارائه نموده که از آن جمله است داشتن حُسن ظَنِّ نسبت به همدیگر. علی (ع) نیز در این راستا، توصیه‌هایی دارد که از آن جمله است آنچه کلینی با اسنادش از امام صادق (ع) از امیرمؤمنان (ع) نقل می‌کند که در تفسیر آیه‌ی: «یا ایها الذین ءَامَنُوا اجْنَبُوا کَثِیراً مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از

گمان‌ها بیرهیزید؛ [چرا] که برخی از گمان‌ها گناه است...» (حجرات، ۱۲)، فرمودند: «هر کار [ی که از] برادر دینی خود [سر زد، آن] را به بهترین وجه آن، حمل کن، تا کاری کند که راه توجیه را بر تو ببندد و هیچگاه به سخنی که از [دهان] برادرت بیرون آید، گمان بد مبر؛ در صورتی که برای آن سخن، مَحْمَل خوبی می‌یابی» (کلینی، ۶۷-۱۳۶۲ ش، ۲: ۳۶۲، ۳).

۶-۶- راه رهایی از آتش و جهنم

یکی از آرزوهای انسان مومن، رهایی از آتش جهنم است که عواملی فراهم کننده‌ی این آرمان هستند و تعالیم دینی، گویای آن هستند که از آنجمله است آنچه حاکم نیشابوری با سندش از علی بن ابی‌طالب(ع) نقل می‌کند که در تفسیر آیه‌ی: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً...؛ خودتان و خانواده‌هایتان را از آتش حفظ کنید...» (تحریم، ۶)، فرمودند: «خود و خانواده‌تان را آموزش خیر دهید (و تادیبشان کنید)» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ۲: ۵۳۶، ۳۸۲۶، ۵۶۳؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ۲: ۵۳۹، ۴۶۷۶).

۶-۷- پاداش خوف از خدا

هرچند، پیروان فرامین خدا، مصون از حُزن و خوف‌اند (ر.ک: بقره، ۳۸)؛ ولی برخی از خوف‌ها، پسندیده‌اند که مومنان، به همراه آن هستند که از آن جمله است ترس از مقام خدا که آثار مفید در عاقبت به خیری انسان دارد که آیات قرآن، بیانگر آن هستند و از علی(ع) نیز در این راستا و در تفسیر آیه‌ی: «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ؛ و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو بوستان [بهشتی] است» (الرحمن، ۴۶)، نقل شده است که فرمودند: «کسی که بداند خدا او را می‌بیند و آنچه می‌گوید، می‌شنود، و آنچه می‌کند؛ چه خیر و چه شرّ، اطلاع دارد، همین علم، او را از اعمال زشت

بازمی دارد، و همین است آن کسی که از مقام پروردگارش خائف است، و نفس خود را از پیروی هوی، نهی می کند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۱: ۲۷۹، [۱۲، ۱۳] ۱۵).

۷- نتایج و دست آوردها

قرآن، کتاب انسان سازی است و برای هدایت انسان ها نازل شده است و با اینکه بدون ابهام و به صورت روشن برای مردم فرستاده شده است؛ ولی بدان جهت که، آخرین کتاب آسمانی است و باید پاسخگوی پرسش ها و نیازهای هدایتی بشر تا قیامت باشد، و با توجه به اینکه کتاب محدود، نمی تواند سؤالات نامحدود مردم زمان های طولانی را پاسخگو باشد، به این نتیجه می رسیم که خدای حکیم، آخرین کتاب خود را به گونه ای فرستاده که دارای لایه های فراوانی باشد و در عصرهای متعدد و افراد مختلف با توجه به رشد و تفکراتشان بتوانند از آن، بهره بگیرند.

در همین راستاست که خدا، پیامبر (ع) را به عنوان مبین قرآن، معرفی کرده تا در موارد نیاز، بطن ها و تفسیر آن را بیان دارد تا صحابه آن حضرت در عصر ایشان و آیندگان پس از ایشان، بهره های بیشتری از قرآن ببرند؛ ولی از آنجا که نبی اکرم (ص) بیش از ۲۳ سال در میان صحابه نبوده است و در این مدت محدود، پرسش های نامحدود بشریت تا قیامت پیش نمی آید؛ لذا آن حضرت برای بعد از خود، راه صحیح را در آن دید که جانشینانی برای خود برگزیند که علاوه بر حکومت، تعلیم قرآن را با توجه به مقتضیات زمانشان، تفسیر نمایند و در این راستا فرمود: «اَنْیَ تَارکَ فِیکَـمَ التَّقْلِیْنِ کِتَابَ اللّهِ وَ عِترَتِی اَهلَ بَیتِی مَا اِنْ تَمَسَکْتُمْ بِهَـمَا لَنْ تَضَلُّوا...» و اگر خود قرآن کافی بود، نیازی نبود که ثقل دیگری در کنارش معرفی گردد، و آن هم ثقلی که عدل قرآن است و بدون هر کدام از آنها، رسیدن به مقصد، ممکن نیست.

اهل بیت پیامبر(ص) آنگونه که از احادیث معتبر به دست می آید، عبارتند از علی(ع)، فاطمه زهرا(س)، حسنین(ع)، و نه تن از فرزندان امام حسین(ع)؛ ولی از آنجا که علی(ع) اولین مسلمان از میان مردان بود و بیشترین ارتباط را با پیامبر(ص) داشت و بهترین بهره‌ها را از محضر ایشان برده و دانشمندترین صحابه پیامبر(ص) در همه علوم اسلامی، و در علم تفسیر به طور خاص بوده است و در علوم قرآنی نیز شخصیت منحصر به فردی دارند، همه بیانگر جایگاه ویژه ایشان در تفسیر و علوم قرآنی است؛ لذا بر ما است که تفسیر ایشان را که در کتب روایی و تفاسیر روایی از شیعه و اهل سنت نقل شده است، جمع‌آوری کرده، روش‌های تفسیری ایشان را بررسی کنیم تا ضمن پی بردن به جایگاه آن حضرت(ع) در تفسیر، به آن تاسی جسته، از تفسیر به رای مصون بمانیم.

علی(ع) از روش‌هایی در تفسیر استفاده کرده که تفسیر تربیتی از آن جمله است که در این راستا، ایشان آیات مرتبط با بازگشت نتیجه اعمال به خود انسان، ریا، تبیین امید بخش‌ترین آیاتی که گویای بخشش زیاد خدای متعال دارد، دوستی با مردم برای خدا، ویژگی دوستان خدایی و دوستان شیطانی، نهایت تلاش در تاویل به احسن کردن اعمال بد دیگران، راه رهایی از جهنم، و معرفی کسانی که دو بهشت از آن آنهاست، و ... را تبیین نموده‌اند.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه گروهی محمدعلی رضائی اصفهانی و همکاران، قم؛ دارالذکر، ۱۳۸۳ هـ. ش.
نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم؛ انتشارات میراث ماندگار، ۱۳۸۱ ش، چاپ ۱۶.
ابن ابی الحدید (۱۴۰۷ ق)، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت؛ دارالجیل.

۲۵۴ دوفصلنامه تفسیر پژوهی اثری - سال یازدهم، جلد اول، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ ش)، النهایة فی غریب الحدیث والاثار، به تحقیق محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، قم؛ مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم.

ابن رؤیش اندلسی (۱۴۱۵ ق)، المقتطفات، تهران؛ انتشارات معاونت فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (ع).

ابن شهر آشوب مازندرانی، ابی جعفر بن علی (۱۴۱۲ ق)، مناقب آل ابی طالب (ع)، تحقیق و تصحیح یوسف بقاعی، بیروت؛ دارالاضواء، چاپ دوم.

ابن عبدالبر قرطبی، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۵ ق)، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، با تحقیق علی محمد معوض و ...، بیروت؛ دارالکتب العلمیه.

ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ ق)، تاریخ مدینة دمشق، به تحقیق علی شیر، بیروت؛ دارالفکر. ابن منظور (بی تا)، لسان العرب، بیروت؛ دار صادر.

ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۱۳ ق)، تفسیر البحر المحیط، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت؛ دارالکتب العلمیه.

احمد بن حنبل (۱۴۰۳ ق)، کتاب فضائل الصحابه، تحقیق وصی الله بن محمد عباسی، مکه؛ دارالعلم للطباعة و النشر.

_____ (بی تا)، المسند، بیروت؛ دارالفکر.

استرآبادی، سید شرف الدین علی حسینی (۱۴۰۹ ق)، تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العترة الطاهره، با تحقیق حسین استاد ولی، قم؛ انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

امین، محسن (۱۴۱۸ ق)، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، بیروت؛ دارالتعارف للمطبوعات.

امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶ ق)، الغدير، تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.

بحرانی، سیدهاشم (۱۴۲۷ ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت؛ مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.

بیومی مهران، محمد (۱۴۱۶ ق)، منتخب فضائل النبی و اهل بیته من الصحاح الستة و غيرها، بیروت؛ انتشارات الغدير.

از اعلمیت مطلق بشری تا مربیگری علی(ع) در تبیین ... / صمد عبداللهی عابد ۲۵۵

جوینی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۸ ق)، فرائد السمطين، با تحقیق محمد باقر محمودی، بیروت.
حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله بن احمد (۱۴۱۱ ق)، شواهد التنزیل، با تحقیق محمدباقر محمودی، تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

_____ (۱۳۸۰ ش)، _____، ترجمه احمد

روحانی، قم؛ دارالهدی.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ ق)، المستدرک علی الصحیحین، با تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت؛ دارالکتب العلمیه.

حرانی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه (۱۳۹۴ ق)، تحف العقول، بیروت؛ مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ پنجم.

حلی، حسن بن سلیمان (۱۳۷۰ ق)، مختصر بصائر الدرجات، قم؛ انتشارات الرسول المصطفی.

حموی بغدادی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۶۵ م)، معجم البلدان، طهران؛ انتشارات اسدی.

خوارزمی، موفق بن احمد بن محمد بکری مکی حنفی (۱۴۱۷ ق)، المناقب، قم؛ مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ سوم.

_____ (بی تا)، _____، _____، با مقدمه موسوی

خرسان، طهران؛ مکتبه نینوی الحدیثه.

ذهبی، محمدحسین (۱۳۹۶ ق)، التفسیر و المفسرون، مصر؛ دارالکتب الحدیثه، چاپ دوم.

ری شهری، محمد محمدی (۱۴۲۱ ق)، موسوعة الامام علی بن ابی طالب فی الکتاب و السنه و التاريخ، قم؛ دارالحدیث.

زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۴۱۹ ق)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، با تحقیق فواز احمد زمرلی، بیروت؛ دارالکتب العربی، چاپ سوم.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۱ ق)، الدر المنثور، بیروت؛ دارالکتب العلمیه.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۷ ق)، الامالی، به تحقیق مؤسسة البعثة، قم؛ مؤسسة البعثة.

طبرسی، احمد بن ابی طالب (۱۴۱۷ ق)، اعلام الوری، قم؛ مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، چاپ دوم.

۲۵۶ دوفصلنامه تفسیر پژوهی اثری - سال یازدهم، جلد اول، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

طبری، عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم (۱۴۲۰ق)، بشارة المصطفی لشعبة المرتضى، با تحقیقی جواد قیومی، قم؛ مؤسسة النشر الاسلامی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۴ ق)، الامالی، با مقدمه بحر العلوم، نجف؛ المكتبة الاهلیه.
_____ (۱۳۶۴ ش)، تهذیب الاحکام، با تحقیق خراسان، تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.

عبداللهی عابد، صمد (۱۳۸۵)، «جایگاه علی(ع) در قرائت»، مجله الهیات و حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سوم، بهار و تابستان، ۹۷-۱۴۲.

عیاشی، ابی نصر محمد بن مسعود (۱۴۲۱ ق)، التفسیر، تحقیق مؤسسة البعثة، قم؛ قسم الدراسات الاسلامیه لمؤسسة البعثة.

قبنجی، سید حسن (۱۴۲۱ ق)، مسند الامام علی(ع)، با تحقیق شیخ طاهر سلامی، بیروت؛ مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۱۲ ق)، تفسیر التمی، بیروت؛ مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
قندوزی حنفی، حافظ سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ ق)، ینایع الموده، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی، تهران؛ انتشارات اسوه، چاپ اول.

کلینی، محمد بن یعقوب (۶۷-۱۳۶۲ ش)، کافی، با تصحیح علی اکبر غفاری، تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

_____ (بی تا)، اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، بی جا؛ مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۶ ش)، بحار الانوار، تهران؛ اسلامیه، چاپ دوم.

_____ (بی تا)، _____، بیروت؛ دار احیاء التراث العربی، جلد ۳۲.

محمودی، محمد باقر (بی تا)، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت؛ التضامن الفکری، ج ۸-۱ (تهران؛ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج - ج ۱۰-۹).

معرفت، محمد هادی (۱۳۷۱ ش)، آموزش علوم قرآن، ترجمه محمد وکیل، تهران؛ سازمان تبلیغات اسلامی.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ ق)، الامالی، با تصحیح و تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، بیروت؛ دارالمفید، چاپ دوم.
متقی هندی، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین (۱۴۰۹ ق)، کنز العمال، بیروت؛ مؤسسة الرسالة.
نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل، قم؛ مؤسسة آل البيت.

References

- The Noble Qur'an, translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani and colleagues, Qom; Dar al-Zekr, 1383 S.H.
- Nahj al-Balagha, translated by Mohammad Dashti, Qom; Mirath Mandeghar Publishing House, 1381 S.H, 16th edition. [In Arabic]
- Ibn Abi Al-Hadid, Commentary on Nahj al-Balaghah, according to the research of Muhammad Abul Fazl Ibrahim, Beirut: Dar al-Jil, 1407 A.H. [In Arabic]
- Ibn Athir, Mubarak bin Mohammad, Al-nahayah fi Gharib al-Hadith-e v Al-Athar, researched by Mahmoud Muhammad Tanahi and Tahir Ahmad Zawi, Qom; Ismailian Institute, 1367 S.H, 4th edition. [In Arabic]
- Ibn Rowaish Andolosi, Al-Mughtatafat, Tehran; Publications of the Cultural Vice-Chancellor of the World Assembly of Ahl al-Bayt (AS), 1415 A.H. [In Arabic]
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Abi Jafar bin Ali, Manaqib Al-e- Abi Talib (a.s.), research and correction of Yusuf Baqa'i, Beirut; Dar al-Azwa, 1412 A.H, second edition. [In Arabic]
- Ibn Abd al-Bar Qortubi, Yusuf bin Abdullah, Al-Asti'ab fi Ma'refaht al-Ashahab, with the research of Ali Muhammad Ma'awaz and..., Beirut; Dar al-Kitab al-elmiya, 1415 A.H. [In Arabic]
- Ibn Asaker, Ali Ibn Hasan, History of the City of Damascus, researched by Ali Shiri, Beirut; Dar al-Fekr, 1415 A.H. [In Arabic]
- Ibn Manzoor, Lasan al-Arab, Beirut; Dar Sadir, W.d. [In Arabic]
- Abu Hayyan Andolosi, Mohammad bin Yousef, Tafsir al-Bahr al-Mohiit, research by Adel Ahmad Abd al-Mojood and Ali Mohammad Moawwaz, Beirut; Dar al-Kotob Al-elmiyya, 1413 A.H. [In Arabic]
- Ahmad ibn Hanbal, Kitab Fada'il al-Sahhabah, research by Wasiullah ibn Muhammad Abbasi, Mecca; Dar al-Alam for printing and publishing, 1403 A.H. [In Arabic]
- _____, Al-Mosnad, Beirut; Dar al-Fakr, w.d. [In Arabic]
- Astrabadi, Seyyed Sharaf al-Din Ali Hosseini, Tawheel al-Aayat al-Zahira fi Fadael al-Etrah al-Tahirah, with the research of Hossein Ostad Wali, Qom; Islamic Publications of the Modaresin Society, 1409 A.H. [In Arabic]
- Amin, Mohsen, Ayan al-Shi'ah, Hassan Amin's research, Beirut; Dar al-Taarif for publishing, 1418 A.H. [In Arabic]

- Amini, Abd-Al Hossein, Al-Ghadir, Tehran; Dar-Al Kotob al-Islamiya, 1366 A.H, second edition. [In Arabic]
- Bahrani, Sayyed hashem, Al-Borhan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut; Al-Alami Publishing House, 1427 A.H, second edition. [In Arabic]
- Bayoumi Mehran, Mohammad, the selection of Fadael al-Nabi and Ahl al-Baytah Men al-Sehah Al-Setta and others, Beirut; Al-Ghadir Publishing House, 1416 A.H. [In Arabic]
- Joveini, Ibrahim bin Mohammad, Faraid al-Samtain, with the research of Mohammad Bagher Mahmoudi, Beirut; 1398 A.H. [In Arabic]
- Hakim Hasakani, Obaidollah bin Abdollah bin Ahmad, the download evidence, with the research of Mohammad Bagher Mahmoudi, Tehran; Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1411 A.H. [In Arabic]
- _____, translated by Ahmad Rouhani, Qom; Dar al-Hadi, 1380. S.H. [In Persian]
- Hakim Neishaburi, Mohammad bin Abdollah, al-Mostadrak Ala al-Sahihain, with the research of Mostafa Abdol Qadir Ata, Beirut; Dar al-Kotob Al-Elmiyya, 1411 A.H. [In Arabic]
- Harrani, Hassan bin Ali bin Hossein bin Shoba, Tohf al-Oqool, Beirut; Al-Alami publishing house, 1394 A.H, fifth edition. [In Arabic]
- Helli, Hasan bin Soleiman, a summary of Basa'ir al-Darajat, Qom; Al-Rasoul Al-Mustafa Publications, 1370 A.H. [In Arabic]
- Hamavi Baghdadi, Yaqut bin Abdollah, Mojam al-Boldan, Tehran; Asadi Publishing House, 1965 A.d. [In Arabic]
- Khwarazmi, Mowwafaq bin Ahmad bin Mohammad Bakri Makki Hanafi, al-Manaqhib, Qom; Al-Nashr al-Islami Publishing House, 1417 AH, third edition. [In Arabic]
- _____, with an introduction by Mousavi Khersan, Tehran; Naynavah Al-Hadithah Library, W.d. [In Arabic]
- Dhahabi, Mohammad Hossein, Al-Tafsir and Al-Mofsseron, Egypt; Dar al-Kotob al-Hadithah, 1396 A.H, second edition. [In Arabic]
- Rey Shahri, Mohammad Mohammadi, Encyclopedia of Imam Ali bin Abi Talib fi al-Kitab wa al-Sunnah wa al-Tarikh, Qom; Dar al-Hadith, 1421 A.H. [In Arabic]
- Zarqani, Mohammad Abd-Al-azim, Manahel al-Irfan fi Ulum al-Qur'an, researched by Fawaz Ahmad Zamarli, Beirut; Dar-Al- Kotob al-Arabi, 1419 A.H, third edition. [In Arabic]
- Siyuti, Jalal al-Din Abdurrahman bin Abi Bakr, Al-Dorr al-Manthoor, Beirut; Dar al-Kotob Al-elmiyya, 1411 A.H. [In Arabic]
- Sadouq, Mohammad bin Ali bin Babowayh, al-Amali, to the research of Al-Betha Foundation, Qom; Al-Betha Foundation, 1417 A.H. [In Arabic]
- Tabarsi, Ahmad bin Abi-Talib, Aalam-Al-Wari announcement, Qom; Aal-Al-Bait Le ehya-al-Torath Institute, 1417 A.H, second edition. [In Arabic]

- Tabari, Imad al-Din Abi Jafar Mohammad bin Abi al-Qasim, Bashara al-Mustafa le Shia al-Mortaza, with a research by Javad Qayyumi, Qom; Al-Nashr al-Islami Institute, 1420 A.H. [In Arabic]
- Tousi, Mohammad bin Hassan, al-Amali, with an introduction to Bahr al-Uloom, Najaf; Al Maktabah Al-Ahliyah, 1384 A.H. [In Arabic]
- _____, Tahdib al-Ahakam, with research of Khersan, Tehran; Dar al-Kotob al-Islamiyya, third edition, 1364 S.H. [In Arabic]
- Abdollahi Abid, Samad, the article "Ali's place in recitation" published in the Journal of Theology and Islamic Law of the University of Sistan and Baluchistan, third year, number three, spring and summer 2015 A.d, pp. 97-142. [In Persian]
- Ayashi, Abi-Nasr Mohammad Bin Masoud, Al-Tafsir, Research of Al-Betha Foundation, Qom; Department of Islamic Studies of Al-Betha Institute, 1421 A.H. [In Arabic]
- Qabanchi, Seyyed Hasan, Mosnd Al- Imam Ali (AS), with the research of Sheikh Taher Salami, Beirut; Al-Alami Press Foundation, 1421 A.H. [In Arabic]
- Qomi, Ali ibn Ibrahim, Tafsir al-Qomi, Beirut; Al-Alami publishing house, 1412 A.H, first edition. [In Arabic]
- Ghonduzi -e- Hanafi, Hafez Soleiman bin Ibrahim, Yanabie al-Mawaddah, Seyyed Ali Jamal Ashraf Hosseini's research, Tehran; Oswah Publications; 1416 A.H, first edition. [In Arabic]
- Koleini, Mohammad bin Yaqoob, Kafi, corrected by Ali Akbar Ghaffari, Tehran; Dar al-Kotob al-Islamiyya, 1362-67 A.H, fourth edition. [In Arabic]
- _____, Usul -e-Kafi, Sayed Javad Mustafavi, W.p, Neutral; Noor Research and Publishing Institute, W.d. [In Persian]
- Majlesi, Mohammad Bagher, Behar al-Anwar, Tehran; Islamiyyah, 1366 S.H, second edition. [In Arabic]
- _____, Beirut; Dar -o- ehya Al-torath Al Arabi, W.d, Volume 32. [In Arabic]
- Mahmoudi, Mohammad Baqir, Nahj al-Saadah fi Mostadrak Nahj al-Balaghah, Beirut; Al-Tazamon al-Fekri, W.d, vol. 1-8 ,Tehran; Publications of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, vol. 10-9). [In Arabic]
- Marefat, Mohammad Hadi, teaching Quranic sciences, translated by Mohammad Vakili, Tehran; ISlamiq Advertising Organization, 1371 S.H. [In Persian]
- Mofid, Mohammad bin Mohammad bin Numan, al-Amali, with correction and research by Hossein Ostad Wali and Ali Akbar Ghafari, Beirut; Dar al-Mufid, 1414 A.H, second edition. [In Arabic]
- Mottaghi Hendi, Ala al-Din Ali al-Mottaghi bin Hessam al-Din, Kanz-al-Ommal, Beirut; Al-Risalah Foundation, 1409 A.H. [In Arabic]
- Noori, Mirzahosein; Mostadrak al-Wasael, Qom; Al Al-Bayt Foundation, 1408 A.H. [In Arabic]



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی